

تشویق لب مرزی

دبستان دخترانه‌ی شهید احمدلو مدرسه‌ای دولتی است در استان قم و خانم طاهره تلخایی مدیر آن است. مدرسه ۴۹۰ دانش‌آموز دارد و ۱۴ کلاس درس. جمعیت تقریبی هر کلاس ۳۸ نفر است. خانم زهره گلزار آموزگار پایه‌ی چهارم است و در کلاسش ۳۹ دانش‌آموز دارد.



زهره گلزار
دانشجوی آموزش ابتدایی

خطر کرونا، خبرهای ناگوار از دست‌دادن عزیزان، تعطیلی مدرسه‌ها، ورود به فضای آموزش مجازی، ناآشنایی با فضای آموزشی جدید، مدیریت زمان، هم‌زمانی کلاس‌های برخط فرزندانمان و کلاس‌های درسی مدرسه، هیچ‌کدام بهانه‌ای نبود تا شادی و

کرونا آمده بود. دیگر چاره‌ای نداشتم مگر اینکه با این مهمان ناخوانده کنار بیایم و زندگی‌ام را به‌درستی برنامه‌ریزی کنم.

لذتی را که از آموزش دادن می‌دیدم، تسلیم سختی راه پیش رو کنم.

باید تصمیمی می‌گرفتم؛ تصمیمی مهم و همتی والا که چگونه کارهایم را به‌بهترین نحو انجام دهم و همچون سال‌های قبل بتوانم بهترین آموزش را به دانش‌آموزانم بدهم. حالا وضعیت خیلی فرق داشت؛ هم باید به دانش‌آموزان درس می‌دادم و هم به اولیا. باید تلاش بیشتری می‌کردم. تصمیم گرفتم آموزش‌های مجازی متفاوت را فرا بگیرم. دیگر به فکر بیماری نبودم. انگیزه‌ی زیادی داشتم که بهتر آموزش دهم و نهایت توانم را صرف کمک به شاگردانم و خانواده‌هایشان کنم؛ خانواده‌هایی که در این موقعیت گرفتار شده بودند و راه نجاتی پیدا نمی‌کردند.

به‌مرور به‌خوبی با فضای مجازی عجين شدم و از نرم‌افزارهای متفاوت استفاده کردم. به خودم که آمدم، دیدم همه‌ی دانش‌آموزانم به بهترین نحو آموزش دیده‌اند. خانواده‌ها هم خیلی خوب مباحث پایه‌ی سوم ابتدایی را یاد گرفته‌اند. رضایت و شادی در چشم‌های همه‌ی خانواده‌ها و دانش‌آموزانم دیده می‌شد.

شیرین‌تر از آن، زمانی بود که تعداد زیادی از همکارانم در استان‌های دیگر عضو کلاس من شده بودند تا بتوانند از مطالب و منابعی استفاده کنند که بنده در کلاس استفاده می‌کردم. آن‌ها نیز آنچه را آموخته بودند، به دیگر معلم‌ها در استان خود یا شهرستان‌هایشان آموزش می‌دادند.

در اولین روز بهار پیام مسرت‌بخش و زیبایی به دستم رسید. دانش‌آموزی، از دیاری دوردست در نزدیکی‌های مرز، کلیپ‌های درسی‌ام را دیده و از آن‌ها استفاده کرده بود. حالا نوروز را به من تبریک می‌گفت و دعوت می‌کرد به شهرشان بروم. وضعیت کرونا اجازه نمی‌داد به آنجا بروم، اما با این اتفاق بهترین نوروز برایم رقم خورد؛ نوروزی که پر بود از نشاط حاصل از تلاش و همکاری.

بالاخره همان سال کارهایم معرفی شدند و به‌عنوان معلم نمونه معرفی شدم. شادی من به‌خاطر این بود که کارهایم برای دیگر معلمان و دانش‌آموزان مفید بود و توانسته بودند از آن‌ها استفاده کنند. دیگر اینکه قدرتم را در برابر وضعیت جدید پیش‌آمده به خودم ثابت کرده بودم.

